

# اشتغال، اشتغال ناقص و بیکاری

## مفاهیم و شیوه سنجش

فاطمه هرندی

ویراستار  
مریم جوادی

گروه پژوهشی طرحهای فنی و روشهای آماری  
پژوهشکده آمار  
۱۳۸۲

## ۱- کلیات

**اهداف عمده جمع‌آوری آمار مربوط به جمعیت فعال اقتصادی عبارتست از:**

- تهیه اطلاعات پایه‌ای در مورد اندازه و ساختار نیروی کار، روند جاری و تغییرات آن
- ایجاد امکان اندازه‌گیری عرضه نیروی کار و میزان بهره‌گیری از آن در فرآیند تولید اقتصادی
- ارزیابی سیاست‌های ایجاد یا بهبود اشتغال در زیرگروه‌های سنی، جنسی، شغلی، فعالیتی و...
- پیش‌بینی جمعیت فعال اقتصادی و مؤلفه‌های آن برای برنامه‌ریزی‌های آتی
- ارزیابی سیاست‌های دولت در ایجاد درآمد یا حفظ قدرت خرید، کاهش فقر و توزیع مجدد درآمد
- تشریح رشد اقتصادی و بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی موثر در اندازه و ترکیب نیروی کار

**استانداردهای بین‌المللی تاکید می‌کند که برای نشان دادن روند تغییرات فصلی، اطلاعات جمعیت فعال جاری حداقل دو بار در سال باید اندازه‌گیری شود. برای انجام تحلیلهای ساختاری و سایر نیازهای خاص کاربران نیز، جمع‌آوری داده‌های پایه باید در فواصل زمانی طولانیتر انجام شود<sup>۱</sup>.**

برای اینکه این آمار قابلیت تحلیل مشترک با سایر آمارهای اجتماعی اقتصادی (مثلاً حسابهای ملی) را داشته باشد باید زمان مرجع، پوشش، تعاریف، طبقه‌بندیها و سایر جنبه‌های اساسی اطلاعات یکسان باشد.

**منابع آماری مربوط به جمعیت فعال اقتصادی عبارتند از:**

- آمارگیریهای نمونه‌ای خانوار و سرشماریهای جمعیت
- آمارگیریهای نمونه‌ای و سرشماریهای کارگاهی
- سوابق اداری و ثبتی از قبیل دفاتر ثبت نام کاریابی، سوابق بیمه بیکاری، پرونده‌های تامین

---

<sup>۱</sup> مشروح این مبحث در فصل ۱ نشریه «توصیه‌هایی در زمینه نحوه طراحی و اجرای آمارگیریهای خانواری، پژوهشکده آمار، ۱۳۸۲» آمده است.

## اجتماعي، فهرست حقوق بگيران و پرسنل در بخش عمومي

بهترین انتخاب در صورت امکان، تلفیق اطلاعات از منابع مختلف موجود، به منظور تأمین نیازهای مورد نظر با حداقل هزینه و حداکثر دقت است. این امر مستلزم آن است که تعاریف و مفاهیم، طبقه‌بندیها و دوره مرجع مربوط به اطلاعات منابع مختلف، انجام تلفیق را امکان‌پذیر سازد. این شیوه عموماً در کشورهای پیشرفته مورد استفاده قرار می‌گیرد.

هرچند استانداردهای بین‌المللی روی یکی از این منابع تأکید یا توصیه خاصی ندارد، به هر حال جمع‌آوری اطلاعات از طریق آمارگیریهای خانواری ارجحیت دارد و اغلب عملی‌ترین روش ممکن است. علل تأکید بر آمارگیریهای خانواری به شرح زیر است:

- رعایت بسیاری از استانداردها و توصیه‌های بین‌المللی فقط از طریق انجام مصاحبه مستقیم در آمارگیریهای خانواری امکان‌پذیر است.
- قابلیت تلفیق اطلاعات نیروی کار با داده‌های مربوط به ویژگیهای اجتماعی افراد و خانوارها وجود دارد.
- امکان پوشش کامل جمعیت کشور و اندازه‌گیری همزمان افراد شاغل، بیکار و غیرفعال وجود دارد.
- بخصوص در کشورهای در حال توسعه، عملی‌ترین روش است. چون سایر منابع یا اصولاً وجود ندارند و یا ناقص و غیرقابل قبول می‌باشند.
- در صورت ادواری بودن آمارگیری، علاوه بر اطلاعات مقطعی، این آمارگیریها قادر به ارائه اطلاعاتی در خصوص روندها و تغییرات ناخالص (با پیگیری تغییر وضعیت افراد) نیز می‌باشند.

## ۲- جمعیت فعال اقتصادی

در این قسمت تعریف جمعیت فعال اقتصادی، اصول مهم تعریف (جمعیتی که باید تحت پوشش قرار گیرند، مرز بین فعالیتهای اقتصادی و غیراقتصادی) و روشهای عملیاتی کردن این تعریف در قالب سوالات پرسشنامه بر مبنای مندرجات مأخذ شماره ۱ ذکر شده است.

**جمعیت فعال اقتصادی:** تمامی افرادی که در دوره مرجع مورد نظر در تولید کالا یا خدمات (طبق تعریف (SNA 68) مشارکت داشته یا از قابلیت مشارکت برخوردار بوده اند. چه جمعیتی باید از نظر سنجش فعالیت اقتصادی پوشش داده شود؟ در اصل کل جمعیت باید پوشش داده شود اما در عمل ممکن است پوشش مناطق یا گروههایی خاص از جمعیت امکانپذیر نباشد (خانوارهای دستجمعی، خانوارهای غیرساکن، نیروهای مسلح و ...). از طرفی با توجه به مفهوم فعالیت اقتصادی، آمارگیری از گروههایی خاص معنی دار نیست (گروههای سنی خاص، افراد دارای ناتوانی جسمی و ...).

در مورد محدودیت اول باید حتی الامکان سعی شود اطلاعات این گروهها از منابع یا آمارگیریهای دیگر اخذ و به اطلاعات بقیه جمعیت اضافه شود<sup>۲</sup>. در هر صورت ذکر دقیق جمعیتی که تحت پوشش آمارگیری قرار میگیرد، ضروری است.

**در ارتباط با محدوده سنی مناسب برای سنجش جمعیت فعال اقتصادی،** توصیه های بین المللی تعیین حداقل سن را توصیه نموده اما تعیین حداکثر سن توصیه نشده است. در تعیین حداقل سن ملاک اصلی شرایط حاکم در کشور است. چنانچه حداقل سن قانونی کار در قوانین کشور وجود دارد و رعایت میشود، همان سن به عنوان حداقل تعیین میشود. در غیر این صورت با توجه به میزان مشارکت جوانان در فعالیتهای اقتصادی از یک سو و عملی بودن و هزینه آمارگیری از این افراد با صحت قابل قبول از

<sup>۱</sup> System of National Account, 1968

<sup>۲</sup> مشروح این مباحث در فصل ۱ نشریه «توصیه های در زمینه نحوه طراحی و اجرای آمارگیریهای خانواری، پژوهشکده آمار، ۱۳۸۲» آمده است.

سوي ديگر، حداقل سن بايد تعيين شود. توصيه هاي سازمان ملل براي سرشماريهاي جمعيتي تصريح نموده كه حداقل سن نبايد بالاتر از ۱۵ سال باشد. در هر صورت هر حداقل سني كه تعيين ميشود براي حفظ امكان مقايسات بين المللي بهتر است حداقل، اطلاعات زير ۱۵ سال و بالاي ۱۵ سال، جداگانه در جداول ارائه شود. همچنين براي پوشش كامل فعاليتهاي اقتصادي ميتوان اطلاعاتي در مورد وضع فعاليت افراد زير حداقل سن تعيين شده نيز جمع آوري نمود. البته به وارد نمودن اين افراد به نيروي كار لزومي وجود ندارد.

### **مرز بين فعاليتهاي اقتصادي و غير اقتصادي چيست؟**

بر اساس SNA 68، تمامي توليدات براي بازار و بعضي از توليدات براي غيربازار، فعاليت اقتصادي محسوب ميشوند.

### **توليدات براي بازار شامل:**

۱- توليدات کالاها و خدمات به منظور فروش در بازار و كسب درآمد به صورت مزد (نقدي يا غيرنقدي) و يا سود  
۲- همه کالاها و خدمات توليدي توسط موسسات دولتي يا موسسات خصوصي غيرانتفاعي در خدمت خانوار كه در فعاليتهاي آنها فروش در بازار و كسب سود لزوماً هدف نيست

۳- توليد به صورت تهاتري (مبادله کالا با کالا)

۴- فعاليتهاي كاركنان فاميلي بدون مزد براي ساير اعضاي خانواده به قصد ارائه به بازار (حتي در صورت عدم دريافت مزد يا سود نيز توليد براي بازار محسوب ميشود)

به طور كلي توليد براي بازار در تمامي فعاليتهاي ISIC<sup>۱</sup> ديده ميشود. شايد ذكر است كه در دو مورد ۱ و ۲، ارائه به بازار و كسب درآمد، هدف انجام فعاليت است و اگر بنا به دلایلي مزد دريافت نشده و يا سود حاصل نشده است نيز فعاليت مزبور، توليد براي بازار و به تبع آن فعاليت اقتصادي محسوب ميشود. كسب درآمد به صورت سود در مورد خود اشتغالان و به صورت مزد در مورد مزد و حقوق بگيران مطرح است.

### **توليدات براي غيربازار شامل:**

۱- توليد كالاهاي پايه براي مصرف شخصي. كالاهاي پايه عبارتند از: كالاهاي توليد شده در فعاليتهاي الف)

---

1 International Standard Industrial Classification

کشاورزی، شکار، جنگلداری، (ب) ماهیگیری و (پ) معدن  
در طبقه‌بندی ISIC 93

۲- فرآوری کالاهای پایه برای مصرف شخصی به شرط اینکه تولید کالا نیز توسط خود فرد انجام شده باشد.

۳- تولید سایر کالاها و خدمات (بجز کالاهای پایه) برای مصرف شخصی به شرطی که عرضه به بازار نیز هدف باشد.

۴- تولید داراییهای ثابت و کالاهای سرمایه‌ای (با عمر مفید حداقل یک سال) به هزینه شخصی و برای مصرف شخصی

در ارتباط با تولیدات برای غیربازار (برای مصرف شخصی یا مصرف خانوار) یک اصل کلی دیگر در استانداردهای بین‌المللی برای منظور نمودن فعالیت‌های چهارگانه فوق به عنوان فعالیت اقتصادی مطرح است و آن این است که افرادی که فقط به این گونه فعالیت‌ها اشتغال دارند در صورتی فعال اقتصادی محسوب می‌شوند که تولید آنها "سهم عمده‌ای" در مصرف خانوار داشته باشد.<sup>۱</sup>

نکته دیگری که در ارتباط با تعریف فعالیت‌های اقتصادی در سیستم حسابداری ملی مطرح می‌باشد این است که بین ماهیت قانونی و غیرقانونی فعالیت تمایزی قایل نمی‌شود و فعالیت‌های غیرقانونی نیز همانند فعالیت‌های قانونی باید فعالیت اقتصادی محسوب شود اعم از اینکه فعالیت ماهیتاً غیرقانونی باشد (مثل قاچاق) یا فعالیت قانونی باشد که به صورت غیرقانونی انجام می‌شود (استفاده از کارگر مهاجر غیرقانونی یا کودکان زیر سن کار). البته مسئله عمده در این زمینه این است که پاسخگو در صورت داشتن فعالیت غیرقانونی، آن را ابراز نمی‌کند و یا اینکه به عنوان فعالیت قانونی آن را بیان می‌کند. بنابراین در عمل، فعالیت‌های غیرقانونی یا اصلاً پوشش داده نمی‌شوند و یا در گروه فعالیت‌های قانونی قرار می‌گیرند.

**فعالیت‌های غیراقتصادی چه فعالیت‌هایی را در بر می‌گیرند؟**

۱- خدمات اجتماعی و داوطلبانه بدون مزد با سه ویژگی (الف) بدون مزد بودن، (ب) آزادانه و غیراجباری بودن انجام فعالیت و (ج) ارائه خدمت به سازمان، جامعه یا فردی غیرخویشاوند و خارج از خانوار  
۲- انجام فعالیت‌های بدون مزد در خانه برای سایر اعضای خانوار شامل وظایف خانه‌داری، پرستاری از

<sup>۱</sup> نحوه کاربرد معیار «سهم عمده» در آمارگیری در فصل ۵ مورد بحث قرار می‌گیرد.

فرزندان، تهیه پوشاک برای مصرف خانوار، تعمیر لوازم منزل و... که اغلب توسط زنان انجام می‌شود.

۳- تعمیر و نگهداری ساختمانهای محل سکونت خانوار

۴- تولید کالاهای غیرپایه صرفاً برای مصرف خانوار

۵- فرآوری کالاهای پایه برای مصرف شخصی در صورتی که تولید آن کالاها توسط دیگران انجام شده باشد.

در ارتباط با فعالیتهای فصل ۱ و ۲، با توجه به اینکه استانداردهای بین‌المللی، اخیراً تدابیری برای برآورد ارزش افزوده این گونه‌ها در حسابداری ملی اندیشیده در صورت امکان باید افرادی را که به این گونه‌ها فعالیتهای غیراقتصادی اشتغال دارند در گروههای جداگانه‌ای از جمعیت غیرفعال طبقه‌بندی نمود. سنجش این گروهها معمولاً در قالب طرح‌گذران وقت انجام می‌گیرد.

همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، در مآخذ شماره ۱ تشخیص مرز بین فعالیتهای اقتصادی و غیراقتصادی بر مبنای تعریف تولید در SNA 68 آمده است. با توجه به تغییر SNA در سال ۱۹۹۳ تغییراتی نیز در تعریف محدوده تولید در SNA بوجود آمده است. اهم این تغییرات به شرح زیر است:

**تعریف فعالیت اقتصادی با توجه به SNA 93<sup>۱</sup>:**  
به طور کلی طبق SNA 93، هرگونه تولید کالا، فعالیت اقتصادی و در نتیجه اشتغال محسوب می‌شود. در مورد خدمات، بجز چند مورد نادر، فقط خدمات عرضه شده به بازار، فعالیت اقتصادی به حساب می‌آید.

فعالیهایی که در محدوده تولید قرار می‌گیرند عبارتند از:

الف) تولید تمامی کالاها و خدمات فردی یا جمعی به قصد عرضه به واحدهای دیگر غیر از تولیدکنندگان آنها (داشتن قابلیت عرضه کافی است).

تولید کالاها و خدمات مصرف شده در فرآیند تولید این کالا یا خدمت نیز تولید محسوب می‌شود.

ب) تولید به حساب خود همه کالاها به منظور مصرف نهایی یا تشکیل سرمایه برای تولیدکنندگان آنها

پ) تولید به حساب خود خدمات واحدهای مسکونی توسط مالکان و همچنین خدمات شخصی و خانگی تولید شده توسط کارکنان استخدام شده در خانوار

---

1 Time Used Survey

2 System of National accounts, 1993

انبار کردن کالاهای کشاورزی توسط خانوار به عنوان تکمیل کننده فرآیند تولید کالا و همچنین تأمین آب برای خانوار نیز تولید کالا محسوب می‌شود. سایر خدمات شخصی و خانگی برای مصرف نهایی خانوار، فعالیت اقتصادی محسوب نمی‌شود.

**روشهای عملیاتی نمودن تعاریف مزبور در قالب سوالات پرسشنامه:** برای اندازه‌گیری جمعیت فعال اقتصادی در آمارگیریهای خانوار، باید مفهوم فعالیتهای اقتصادی را بخوبی از طریق آموزشهای لازم به آمارگیران تفهیم نمود و در قالب سوالاتی مناسب در پرسشنامه آمارگیری گنجانید.

با توجه به پیچیدگی مفهوم فعالیتهای اقتصادی، تبدیل آن به سوالاتی قابل فهم برای پاسخگویان کار دشواری است. **متداولترین شیوه در تعیین فعالیت اقتصادی جمعیت از طریق آمارگیریهای خانواری، استفاده از کلمه کلیدی "کار" است و معمولاً این کلمه با افزودن واژه‌های دیگر تشریح می‌شود.** برای مثال:

(۱) کار سود آور، (۲) کار در قبال مزد، سود یا درآمد خانوار، (۳) کار در قبال پول یا سهمی از محصول، (۴) کار در یک حرفه، شرکت، یا مزرعه، (۵) کار به عنوان مزد و حقوق بگیر یا خود اشتغال.

برای تشخیص فعالیتهای اقتصادی خاص که با پرسش ساده مشخص نمی‌شوند (از قبیل فعالیتهای انجام شده توسط کارکنان فامیلی بدون مزد، شاغلان فصلی و ...) می‌توان در دستورالعمل آمارگیر توضیحات تکمیلی و یا در پرسشنامه سوالاتی اضافی پیش‌بینی نمود. به هر صورت شرایط خاص کشور در تعیین نوع سوالات مناسب و توضیحات مربوط به آن باید مدنظر قرار گیرد.

در توضیحات مربوط به سوالات تشخیص فعالیت اقتصادی، در راهنمای آمارگیری سه ویژگی باید وجود داشته باشد:

- ۱- مفهوم کار و فعالیت اقتصادی تشریح شود.
- ۲- توجه داده شود که درک آمارگیر یا پاسخگو از این مفاهیم، با تعاریف و مفاهیم مورد نظر در آمارگیری لزوماً یکسان نیست.
- ۳- فهرستی از فعالیتهای اقتصادی و غیراقتصادی برای راهنمایی بیشتر درج شود. در این فهرست بخصوص ذکر فعالیتهایی که تشخیص آنها مشکلتر است، بسیار مفید می‌باشد.

در طراحی سوالات، شرایط فرهنگی کشور بویژه در ارتباط با تشخیص فعالیتهای اقتصادی زنان باید مد نظر



قرار گیرد تا بتوان سهم زنان در فعالیتهای اقتصادی را بدرستی تعیین نمود. این امر بویژه در زمینه پوشش کامل فعالیتهای اقتصادی زنان روستایی اهمیت بیشتری دارد.

نکته دیگری که در طراحی سوالات باید مورد توجه قرار گیرد، تأثیر ویژگیهای پاسخگو (بویژه در مواردی که مصاحبه‌ها فردی انجام نمی‌شود) در کیفیت و کمیت پاسخهای ارائه شده می‌باشد. این امر بخصوص در کشورهایی که اشکال نامنظم و غیرمعمول اشتغال در آنها وجود دارد باید در جمله‌بندی سوالات پرسشنامه مورد توجه قرار گیرد. بجز عبارات و کلمات پرسشنامه عوامل دیگری از قبیل نحوه تنظیم و ترتیب سوالات، گزینه‌های پاسخ (کدبندی شده یا آزاد) و روش تکمیل پرسشنامه (مصاحبه فردی با تک تک اعضا، مصاحبه با یک عضو خانوار، مصاحبه تلفنی) نیز در نتایج آمارگیری موثر است. در هر صورت، آوردن فهرست فعالیتهای اقتصادی در پرسشنامه می‌تواند به صورت غیرمستقیم و در طول مصاحبه، فعالیتهای اقتصادی را که باید تحت پوشش قرار گیرند به آمارگیر خاطر نشان سازد.

در مجموع، تعیین وضع فعالیت افرادی که در یک فعالیت تمام وقت و سالانه به صورت مزد و حقوق بگیری یا خود اشتغالی اشتغال دارند، کار ساده‌ای است. بنابراین سوال استاندارد که در فصول بعدی در زمینه تشخیص «کار» یا «فعالیت اقتصادی» ارائه شده است، برای تعیین این گونه افراد کفایت می‌کند. اما هرچقدر وضعیت کار از وضعیت عادی فاصله بگیرد، اضافه نمودن سوالاتی برای تشخیص فعالیتهایی نظیر کار پاره‌وقت، کار برای اعضای خانوار بدون دریافت مزد، پیمانکاری، و از قلم نیفتادن این گونه افراد در جمعیت فعال اقتصادی ضروری است. در طراحی سوالات اضافی بخصوص باید در زمینه پوشش فعالیتهای اقتصادی زنان که با احتمال عدم پوشش بیشتری مواجه هستند، نیز توجه خاص مبذول شود. به عنوان مثال می‌توان به فعالیتهای خاص زنان به طور صریح اشاره نمود. به هر صورت شرایط جامعه و ماهیت و گستردگی فعالیت غیرمعمول در آن، باید در طراحی سوالات اضافی مدنظر قرار گیرد. در جایی که یک یا چند وضعیت شغلی غیرعادی متداول باشد، اضافه نمودن فهرست فعالیتها به پرسشنامه مطلوبتر از طرح سوالات متعدد است. حجم فهرست فعالیتها و محتوای آن دقیقاً بستگی به شرایط کشور دارد و به همین دلیل الگوی استاندارد برای آن ارائه نشده است.

به هر حال، نحوه طراحی پرسشنامه همانند برنامه‌های آموزش آمارگیران، تأثیر فراوانی در کیفیت نتایج دارد. به عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت که استفاده از

سوالات اضافي و يا فهرست فعاليتها به عنوان بخشي از پرسشنامه، لزوم آموزش مطلوب آمارگيران و ارائه تعريف روشني از دامنه فعاليتهاي اقتصادي و تشریح انواع آن در راهنماي آمارگيري را منتفي نمي‌سازد و همه موارد بايد به دقت و روشني ذکر شده و فهرستي از انواع فعاليتهاي اقتصادي همراه با تعاريف و مفاهيم مربوطه، در راهنماي آمارگيري آورده شود.

### ۳- جمعيت فعال جاري (نيروي کار)

تعيين جمعيت فعال اقتصادي به دو روش امکان‌پذير است. از طريق تعيين جمعيت فعال جاري و يا از طريق تعيين جمعيت معمولاً فعال. بين اين دو معيار سنجش جمعيت فعال اقتصادي، معيار اول از اهميت بيشتري برخوردار است و با تکرار سنجش وضع فعاليت اقتصادي جمعيت با اين روش، طي يك دوره مشخص مي‌توان متوسط جمعيت فعال اقتصادي طي آن دوره را به دست آورد. معيار اول در اين فصل و معيار دوم در فصل بعدي تشریح مي‌شود.

**منظور از جمعيت فعال جاري،** تمامي افراد داراي حداقل سن تعيين شده هستند که در طي دوره مرجع مورد نظر (کوتاه مدت معمولاً يك روز يا يك هفته) طبق تعاريف مربوطه، جزء يکي از دو گروه شاغلان و بيکاران قرار گرفته‌اند. تعريف شاغل و بيکار در فصلهاي ۵ و ۶ آمده است.

جمعيت فعال جاري يکي از اجزاي چارچوب نيروي کار است. اين چارچوب در زماني مشخص جمعيت داراي حداقل سن تعيين شده را براساس ضوابطي به ۳ گروه کلي طبقه‌بندي مي‌کند که عبارتند از شاغلين، بيکاران و جمعيت غيرفعال. مجموع دو گروه اول، جمعيت فعال جاري را تشکيل مي‌دهد (نيروي کار) که نشان دهنده ميزان عرضه

نیروی کار در یک مقطع زمانی مشخص است. گروه سوم به اضافه جمعیت کمتر از سن تعیین شده، افراد خارج از نیروی کار را تشکیل می‌دهند. بنابراین:

جمعیت = جمعیت فعال + جمعیت خارج از نیروی کار (شامل جمعیت کمتر از سن تعیین شده برای فعالیتهای اقتصادی)

شاغلین + بیکاران

ضوابطی که در تخصیص افراد به گروههای فوق در یک زمان مشخص نقش دارند عبارتند از: ۱- حداقل سن برای فعالیتهای اقتصادی، ۲- طول دوره مرجع (باید آنقدر کوتاه باشد که بتواند در مقطعی معین وضع عرضه نیروی کار را مشخص کند)، ۳- وضع فعالیت افراد طی این دوره و ۴- تعیین اولویتهای خاص برای انتساب هر فرد به یکی از گروههای وضع فعالیت.

بنابراین برای ساخت چارچوب نیروی کار براساس آمارگیریهای خانواری، ابتدا باید حداقل سن مناسب برای سنجش وضع فعالیت اقتصادی تعیین شود. در مرحله بعد، دوره مرجع مورد نظر برای سنجش وضع فعالیت این جمعیت باید مشخص شود. در مرحله سوم وضع فعالیت جمعیت دارای حداقل سن تعیین شده در دوره مرجع مورد نظر باید تعیین شود و بر اساس آن سه گروه شاغل، بیکار و غیرفعال جاری در این جمعیت مشخص شود. با اضافه نمودن افراد زیر سن کار به گروه آخر، مجموع افراد خارج از نیروی کار مشخص می‌شوند.

در مورد نحوه تعیین حداقل سن در فصل ۲ توضیح داده شده است. در ارتباط با تعیین دوره مرجع مناسب برای اندازه‌گیری جمعیت فعال جاری، استانداردهای بین‌المللی دو دوره مرجع یک هفته یا یک روز را پیشنهاد و انتخاب مناسب بین این دو گزینه را به بررسی شرایط کشور موکول نموده است. در کشورهایی که شکل غالب اشتغال، دائمی و تمام وقت باشد، انتخاب هفته به عنوان دوره مرجع ارجحیت دارد. دوره مرجع یک روز در مواردی ارجحیت دارد که شکل غالب اشتغال در کشور کار غیرمستمر، پاره وقت، موقت و سایر اشکال اشتغال کوتاه مدت باشد.

اصولاً انتخاب دوره مرجع کوتاه مدت از نظر یادآوری پاسخگو و کاهش خطای حافظه مطلوبتر از دوره مرجع بلند مدت است و تعیین دقیق وضع فعالیت فرد در آن امکان‌پذیر است. همچنین قابلیت انتساب اطلاعات حاصل در مورد اشتغال و بیکاری به یک مقطع زمانی مشخص و دقیق

را دارد و با سایر منابع اطلاعاتی از جمله سرشماریهای نفوس و مسکن هماهنگی بیشتری دارد.

در هر صورت نیروی کاری که براساس دوره مرجع یک هفته‌ای اندازه‌گیری می‌شود بزرگتر یا مساوی نیروی کاری است که براساس دوره مرجع یک روزه اندازه‌گیری می‌شود (با توجه به تعاریف شاغل و بیکار در فصلهای ۵ و ۶). در مورد تعداد شاغلین نیز به همین ترتیب است اما در مورد تعداد بیکاران وضعیت برعکس است. تعداد بیکار براساس دوره مرجع یک هفته‌ای، کوچکتر یا مساوی تعداد بیکار براساس دوره مرجع یک روزه است. در مجموع اختلاف بین نتایج استفاده از این دو گزینه مربوط به افرادی است که وضع فعالیت خود را در طول هفته تغییر می‌دهند.

**در مجموع «هفته» رایجترین دوره مرجع برای آمارگیریهای نیروی کار در سطح ملی است و انتخاب آن به نتایج با واریانس کمتر منتهی می‌شود. البته امکان استفاده توأم از هر دو گزینه نیز وجود دارد که روش آن در فصل ۷ تشریح شده است.**

وضع فعالیت افراد نیز، با توجه به مفهوم فعالیت اقتصادی که در فصل قبل تشریح شد و با توجه به تعاریف اشتغال و بیکاری، تعیین می‌شود. به این ترتیب افرادی در شمار نیروی کار قرار می‌گیرند که در یک فعالیت اقتصادی شاغل بوده و یا جویای کار و آماده به کار در چنین فعالیتی باشند.

**قاعده مربوط به تعیین اولویت انتساب افراد به گروههای چارچوب نیروی کار به این ترتیب است که در جمعیت در سن کار، اشتغال نسبت به بیکاری و بیکاری نسبت به عدم فعالیت اقتصادی دارای اولویت است. به این ترتیب فردی که هم شاغل است و هم جویای کار، در گروه شاغل قرار می‌گیرد. علاوه بر آن طبقه‌بندیهای فرعی اشتغال نیز نسبت به طبقه‌بندیهای فرعی بیکاری اولویت دارد.**

**در مجموع، اشتغال بدون توجه به مدت زمان آن طی دوره مرجع، همواره نسبت به سایر فعالیتها دارای اولویت است. فردی که حتی برای یک ساعت در دوره مرجع کار کرده باشد، در چارچوب نیروی کار، در گروه شاغلین قرار می‌گیرد؛ هر چند ممکن است این فرد به دنبال کار دیگری نیز بوده و یا محصل باشد. مزیت اصلی این قاعده این است که هر فرد را فقط به یکی از گروههای چارچوب نیروی کار منتسب می‌سازد.**

**از دیگر مولفه‌های چارچوب نیروی کار، «جمعیت غیرفعال جاری» یا افراد خارج از نیروی کار است. این گروه تمام افرادی را که (صرف نظر از سن) در طول دوره مرجع به عنوان شاغل یا بیکار طبقه‌بندی نشده‌اند (جزو**

جمعیت فعال جاری نبوده‌اند) در برمی‌گیرد. جمعیت غیرفعال جاری به چهار طبقه تقسیم می‌شود که عبارتند از: ۱- محصل، ۲- خانه‌دار، ۳- دارای درآمد بدون کار، ۴- سایر (ناتوان، معلول و...). البته بسته به مورد می‌توان این گروه‌بندی را تفصیلی‌تر ارائه نمود. برای مثال افراد بیکاری را که در طول دوره مرجع آماده کار هستند اما در جستجوی کار نیستند، می‌توان در گروه جداگانه‌ای در جمعیت غیرفعال جاری طبقه‌بندی نمود.

نکته‌ای که در ارتباط با گروه‌های جمعیت غیرفعال جاری باید به آن توجه نمود، این است که وضع فعالیت معمول افراد لزوماً با وضع فعالیت در گروه انتسابی یکسان نیست. به عبارت دیگر نمی‌توان با استفاده از این گروه‌بندی، تعداد افراد محصل یا خانه‌دار را تعیین نمود، زیرا ممکن است فعالیت معمول فرد طی یک دوره مرجع طولانی مغایر با فعالیت وی در دوره مرجع کوتاه مدت مورد نظر در آمارگیری باشد. بجز مورد فوق، وجود قاعده اولویت‌بندی در فعالیت‌های جاری نیز عامل دیگری است که مانع از تشخیص کامل افرادی می‌شود که فعالیت‌های معمول آنها خانه‌داری، تحصیل و... است.

**در داخل گروه‌های جمعیت غیرفعال جاری، استان‌داردهای بین‌المللی اولویت خاصی را پیشنهاد نمی‌کند** اما به منظور احتراز از انتساب افراد به بیش از یک گروه، می‌توان اولویت‌بندی قراردادی در مورد آنها برقرار کرده و به همان ترتیب آنها را در سوال مربوط عنوان نمود.

مسئله دیگری که در ارتباط با چارچوب نیروی کار و اجزای آن مطرح است، آن است که در مورد افرادی که وضع فعالیت آنها در حد فاصل میان گروه‌های این چارچوب قرار می‌گیرد، انحراف اندک در یک یا چند معیار و ضابطه تفکیک گروه‌ها، می‌تواند موجب تغییر وضع فعالیت فرد و انتساب وی از گروهی به گروهی دیگر شود. این تغییر وضعیت می‌تواند از شاغل به بیکار (احتساب فرد دارای شغل غیرمستمر، مثل کارگر روز مزد، که برای کار بیشتر آماده و در جستجوی آن باشد به عنوان بیکار)، از شاغل به غیرفعال (با افزایش حداقل ساعات کار در طول دوره مرجع)، از بیکار به غیرفعال (احتساب فرد بیکار در جستجوی کار که به دلایلی آماده کار نیست به عنوان غیرفعال) باشد. برای احتراز از انتساب نادرست افراد به هرگروه باید تعاریف و مفاهیم مربوط و مصادیق هر یک به روشنی ذکر شود و اصولی کلی برای مواجهه با موقعیت‌های غیرقابل پیش‌بینی تعیین شود.

**در چارچوب نیروی کار با توجه به محدودیت تعداد گروه‌ها از یک طرف و شرایط متنوعی که موجب انتساب افراد به یک گروه می‌شود از طرف دیگر، طیف وسیعی از**

**افراد با ویژگیهای بعضاً ناهمگون در يك گروه قرار می‌گیرند.**

ناهمگونی افراد بخصوص در گروه شاغلین شدت بیشتری دارد. برای مثال کارمند دولت با کارمند نیمه وقت يك شرکت خصوصی و حتی کارگر ساختمانی که در طول هفته مرجع فقط يك ساعت کار کرده است، جزو شاغلین محسوب می‌شوند.

**ناهمگونی محتوای هر گروه تحلیل اطلاعات را مشکل می‌کند. برای رفع این مشکل می‌توان گروههای مزبور را به زیرگروههایی با همگنی بیشتر تقسیم نمود؛** به نحوی که بتوان کارکنانی که ساعات کار کافی ندارند (اشتغال ناقص آشکار) و یا درجه مهارت یا بازدهی آنها به دلیل بهره‌وری پایین یا مزد کم، کافی نیست (اشتغال ناقص پنهان) را از سایر کارکنان تفکیک نمود. در واقع زیرگروهها باید به نحوی تعریف شوند که افراد دارای اشتغال مناسب از بقیه شاغلین مجزا شوند. تفکیکهای دیگری که می‌توان انجام داد، تمایز بین کار مستمر و غیرمستمر، اشتغال دائم و موقت و جنبه‌های ایمنی مشاغل است.

ناهمگونیهای قابل توجهی نیز می‌تواند در گروه بیکاران وجود داشته باشد که تحلیل سطح بیکاری را مشکل می‌کند. برای تفسیر مفهوم **يك سطح مشخص بیکاری**، باید برحسب میزان وابستگی افراد بیکار به نیروی کار و نوع حرفه‌ای که برای تصدی آن آمادگی دارند، بین آنها تمایز قایل شد. ساده‌ترین تفکیک می‌تواند به این صورت باشد که افراد بیکار در جستجوی کار تمام وقت و افراد بیکار در جستجوی کار پاره وقت را از هم جدا سازد و یا بین افراد بیکار در جستجوی کار برای بلند مدت و کسانی که در جستجوی کار موقت هستند (برای کوتاه مدت) تمایز قایل شود. سایر موارد تفکیک می‌تواند براساس طول مدت بیکاری، وضع خانوادگی فرد بیکار و ... باشد.

در سومین گروه از چارچوب جمعیت فعال نیز تا حدودی ناهمگونی وجود دارد. برای مثال افراد غیرفعال واقعی با افرادی که موقتاً در طول دوره مرجع به دلایل جسمی یا نابسامانی وضع اقتصادی خارج از نیروی کار قرار گرفته‌اند، در يك گروه قرار می‌گیرند. در صورتی که افراد اخیر با رفع موانع و یا بهبود اوضاع اقتصادی به نیروی کار باز خواهند گشت و داشتن اطلاعات آنها به صورت جداگانه می‌تواند تحلیل دقیقتر این گروه از چارچوب نیروی کار و پیش‌بینی وضعیت آینده را امکان‌پذیر سازد.

## ۴- جمعیت معمولاً فعال

همان‌گونه که در فصل قبلی اشاره شد برای سنجش جمعیت فعال اقتصادی دو معیار وجود دارد: جمعیت فعال جاری و جمعیت معمولاً فعال. از معیار اول برای سنجش وضعیت جاری اشتغال و بیکاری و تعیین ویژگی‌های جاری جمعیت شاغل و بیکار در یک دوره مرجع کوتاه مدت (هفته یا روز) استفاده می‌شود و به این ترتیب تصویری از جمعیت فعال اقتصادی در دوره مرجع مورد نظر به دست می‌آید. در شرایطی که نوسان الگوی فعالیت طی سال ناچیز است، چنین تصویری می‌تواند وضعیت کل سال را نشان دهد. اما در شرایطی که تغییرات فصلی یا سایر نوسانات عمده در نیروی کار وجود داشته باشد، یک بار اندازه‌گیری جمعیت فعال جاری روش مناسبی برای سنجش جمعیت فعال اقتصادی نیست. در این گونه موارد برای حل این معضل دو راه حل وجود دارد: ۱- افزایش تعداد دفعات آمارگیری و یا توزیع نمونه‌ها در دوره‌های مختلف یک سال، ۲- استفاده از دوره مرجع طولانیتر (گذشته نگر).

**به دلیل ماهیت متفاوت دو شیوه، نتایج حاصل از آن نیز متفاوت خواهد بود.** شیوه دوم به دلیل دوره یادآوری بلند مدت، بشدت تحت تأثیر خطای حافظه قرار دارد. بنابراین در صورت امکان استفاده از شیوه اول توصیه می‌شود. معهذا در مواردی مثل سرشماریها یا در کشورهایی که امکان تداوم آمارگیری طی سال وجود ندارد و آمارگیری فقط یکبار در سال انجام می‌شود، می‌توان از هر دو روش (با سؤالاتی جداگانه) همزمان استفاده نمود. این امر بخصوص در کشورهای در حال توسعه که در آن نوسانات فصلی در نیروی کار رواج دارد، اجتناب ناپذیر و ضروری است. در بعضی کشورهای پیشرفته نیز در کنار اجرای آمارگیری ادواری از نیروی کار، در بعضی سالها، طرح دیگری به نام آمارگیری از سابقه کار را به شیوه دوم و به منظور تهیه اطلاعات ساختاری در ارتباط با نیروی کار اجرا می‌کنند. به این ترتیب در این گونه موارد علاوه بر کسب اطلاع از جمعیت فعال جاری، جمعیت معمولاً فعال نیز مشخص شده و از ترکیب نتایج، الگوی غالب فعالیت به دست می‌آید. در جدول زیر تفاوت‌های عمده دو معیار سنجش جمعیت فعال اقتصادی آمده است.